

« نامهٔ ماهانهٔ ادبی، تاریخی، علمی، اجتماعی »

اگرچه امروز

سال پنجاه و یکم
دورهٔ - سی و هشتم
شمارهٔ - ۱۰

شمارهٔ - دهم
دی ماه ۱۳۴۸

تأسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحید زاده دستگردی - نسیم)

(سردبیر : محمد وحید دستگردی)

بقلم : پرفسور پرژی بچکا

ترجمه : محمد وحید دستگردی

پرفسور یان ریپکا ایرانشناس چکوسلواکی

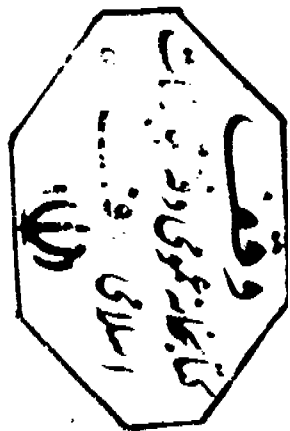
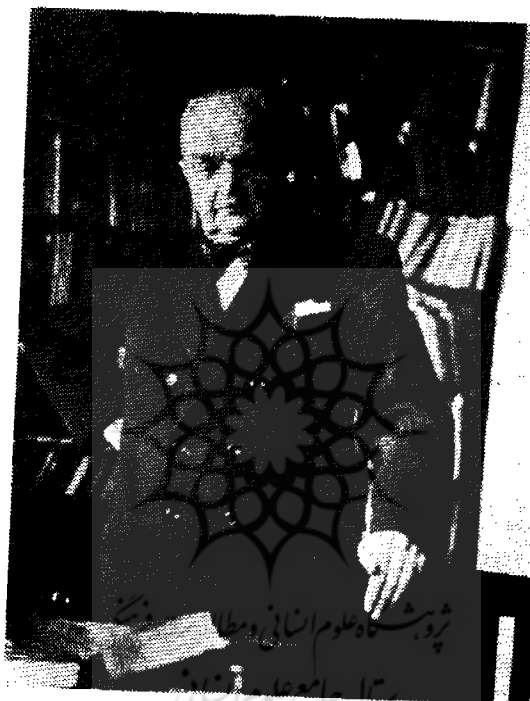
مرگ صاحب‌دل جهانی را دلیل کلفت است

شمع چون خاموش گردد داغ محفل میشود

(عبدالقادر بیدل)

مطالعات اسلامی خاور نزدیک از اواسط قرن نوزدهم در چکوسلواکی شروع شده و در این مدت تحقیقات شرقشناسی توسعه چشم‌گیری پیدا کرده است. جارومیر کازوت، رودلف دوراک و جوستین پرازاک از جمله محققانی هستند که شهرت جهانی دارند. آثار جوستین پرازاک در مورد تاریخ قدیم مادها و ایرانیها هنوز هم مورد استفادهٔ دانش پژوهان است و بهمین دلیل این آثار را ناشران خارجی سال گذشته مجدداً بحلیهٔ طبع آراستند. چکوسلواکی در سال ۱۹۱۸ استقلال خود را بدست آورد و از این تاریخ بیعد مطالعات شرقشناسی توسعهٔ فوق‌العاده‌ای پیدا کرد.

محققان دانشمندی مانند بدریخ هر وزنی، الویس موزیل، فرانٹیزک لکسا، رودلف روزیکا، وینسناک لسنی و اوتاکار پرتولد در رشته‌های مختلف شرقشناسی آثار بسیاری قیمتی در رشته‌های تخصصی خود پرداخته‌اند. پرفسور یان ریپکانیز در زمره بزرگترین مستشرقانی بود که جهان علم و ادب بخود دیده است.



یان ریپکا از اهالی کرومیز بود. تحصیلات متوسطه را در مدرسه محلی دستور زبان بپایان برد. تحصیلات عالی را در سال ۱۹۰۵ قبل از جنگ جهانی اول در دانشگاه وین با نجات رسانید. در این اوقات مستشرقان برجسته‌ای در این دانشگاه بکار تعلیم مشغول بودند که از جمله آنان جوزف فن کاراباسک، داویداج بی‌تنر و آدولف وهرموند را میتوان برشمرد. ریپکا در جلسات درس بدریخ هر وزنی حاضر می‌شد و در نهایت شوق و ذوق بسخنان این دانشمند عالیمقدار گوش فرامیداد.

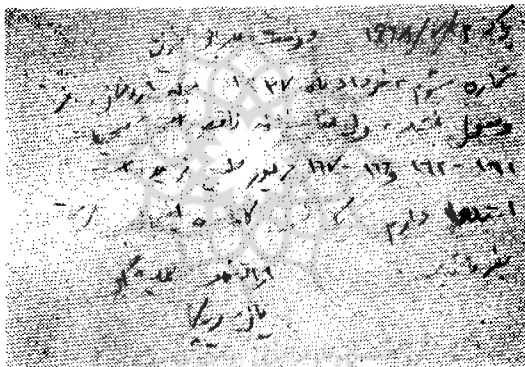
ریپکا در آغاز تحصیلات دانشگاهی به تحصیل السنه عربی و فارسی و ترکی پرداخت

واز همان ابتدا تمایل شدیدی به مطالعه ادبیات داشت. ریپکا در سال ۱۹۱۸ به پراگ بازگشت. در این تاریخ چکوسلواکی جمهوری مستقلی شده بود. ریپکا با حفظ ارتباط خود با مؤسسه مطالعات شرقی وین در شعبه شرقشناسی دانشکده فلسفه پراگ بتحقیق پرداخت و آثاری در مورد دو شاعر ترک، ثابت و باغی بوجود آورد. در پرداختن این آثار از روش علمی پرفسور رودلف دوراک استفاده کرد. این آثار شامل اطلاعات بسیار ذیقیمتی در مورد نسخ خطی استانبول میباشد و اشعار شاعر را بدقت نقد و بررسی کرده است. ریپکا اشعار شاعر را کلمه به کلمه تجزیه کرده و حالات درونی و بیرونی شاعر را بنحویکه توصیف آن در کلمات ننگنجد بیان کرده است. شرح حال جامعی نیز در مورد شاعر دیگر ترک باغی تحت عنوان «باغی شاعر غزلسرا» پرداخته که در سال ۱۹۲۶ چاپ شده است. ریپکا آثار این شاعر را که پرفسور رودلف دوراک در سال ۱۸۸۸ بزرگترین غزلسرای ترکش نامید از جنبه های زیبایی شناسی و زبان شناسی تجزیه و تحلیل کرده است. با اینکه ریپکا در این رساله از تألیفات دوراک استفاده کرده ولی عقاید و نظریات خود را نیز ابراز داشته است. در شرح حال باغی سی و دو غزل منتخب او را نیز گنجانیده و آنها را بدقت تفسیر کرده است. این دو تألیف نام ریپکا را بعنوان یکی از بزرگترین متخصصان اروپائی شعر ترکی بر سر زبانها انداخت. وی مدت یکسال (۲۲ - ۱۹۲۱) در استانبول اقامت کرد و بمطالعه و تحقیق پرداخت و موفقیت وی تا حدی مربوط به این اقامت یکساله در کشور ترکیه بود.

قسمت اعظم تألیفات ریپکا کتب و رسائلی هستند که وی در مورد زبان و ادبیات فارسی نوشته است. وی پس از بررسی کردن و مطالعه دقیق اشعار ترکی متوجه این نکته گردید که شعر کلاسیک ترکی انعکاسی از شعر فارسی است. بدینجهت به مطالعه زبان و ادبیات فارسی پرداخت و تا پایان عمر همچنان در بحر بیکران ادبیات فارسی مستغرق بود. هفت پیکر نظامی را در سال ۱۹۳۴ بچاپ رسانید. نسخ خطی موجود

را در نهایت جدوجهد بایکدیگر مقابله نمود و چاپ انتقادی هفت پیکر را بجهان ادب عرضه کرد. قبل از انتشار این کتاب اولین مقاله خود را در سال ۱۹۳۲ در مورد هفت پیکر نظامی نوشت و آنرا در مجله «انجمن زبان‌شناسی پراگ» منتشر کرد. این مقاله شامل تحقیقات دقیق و جامع ریپکا در مورد هفت پیکر نظامی میباشد. چاپ سال ۱۹۳۴ هفت پیکر نمونه و سرمشقی برای تحقیقات دیگری شد که در مورد آثار نظامی و ترجمه‌های آن بعمل آمد. در سال ۱۹۳۵ تجزیه و تحلیل چند غزل نظامی بقلم وی در مجله ادبی ارمنان چاپ تهران منتشر گردید و بدنبال آن ترجمه‌هایی از این غزلیات بعمل آمد که من بعد در مورد آنها صحبت می‌کنم. در سال ۱۹۵۱ مقالاتی بقلم ایران‌شناسان برجسته و از جمله دو مقاله بقلم پرفسور ریپکا که اولین مقاله راجع به تحقیقات تازه در مورد آثار نظامی بود در یکی از مجلات پاریس منتشر گردید. ریپکا مجدداً در هفت پیکر بتحقیق پرداخت و مقالاتی در این زمینه در مجله شرق‌شناسی در سالهای ۱۹۶۲ و ۱۹۶۳ و رساله‌ای در مورد تجزیه و تحلیل متن هفت پیکر در مجله برتسل چاپ مسکو نوشت. در همین اوقات یکی از آخرین مقالات خود را سخت عنوان «ضرب‌المثل در لیلی و میجنون نظامی» در رشته تحریر کشید. پرفسور ریپکا مفتون و مسحور اشعار نظامی بود و عمر پرثمر خود را در راه تحقیق و تدقیق اشعار در بار نظامی‌قیمی گنجوری صرف کرد. به همین مناسبت و حید دست‌گردی شاعر و دانشمند عالی‌قدر ایران ویرا به لقب مستشرق نظامی پرست ملقب کرد. در حقیقت وی نظامی‌شناس و متخصصی بلند مرتبه در شناخت و نقد اشعار نظامی بود. البته ریپکا در مورد نظامی کتاب مستقلی ننوشت لیکن مجموعه مقالات و رسائل و ترجمه‌های وی و همچنین مقدمه‌هایی که بر ترجمه‌های اشعار نظامی نوشته است مبین مقام رفیع نظامی در شعر کلاسیک فارسی میباشد.

ریپکا دامنه تحقیقات خود را محدود به مطالعه آثار نظامی نکرد. در جشن هزاره فردوسی که در سال ۱۹۳۴ در طهران برپا شد شرکت کرد و مقاله‌ای ممتع زیر عنوان « بحر متقارب اشعار حماسی فارسی » و « مطالعه تطبیقی شاهنامه ، یوسف و زلیخا و گرشاسب‌نامه » نوشت . این مقاله در طهران منتشر شد و مورد توجه دقیق صاحب‌ظران قرار گرفت . چون نویسنده مقاله مطالب مورد بحث را با دیدی تازه و با استعانت از روشهای ریاضی و تأکید در مورد اهمیت تجزیه و تحلیل وزنی شعر از نقطه نظر تفهیم اشعار فارسی مورد بررسی قرار داده بود . در سال ۱۹۶۰ مقاله دیگری در همین زمینه راجع به صنایع بدیعی اشعار فردوسی نوشت . تألیفات ریپکا، در مورد



گراور آخرین نامه‌ایست که مرحوم ریپکا یکسال قبل از فوت بمدير مجله ارمنان نگاشته

لیبی و فرخی دو شاعری که در زمان رونق و رواج شعر فارسی در دربار غزنویان میزیستند ، قسمت مهمی از آثار او را تشکیل میدهند . این مقالات با همکاری میلوس یرکی در سالهای ۱۹۴۳ و ۱۹۴۷ در مجله آرشو شرقشناسی منتشر گردیدند . ریپکا در مورد آثار خاقانی که بعقیده او مانند آثار نظامی جزئی از میراث فرهنگی آذربایجان را تشکیل میدهد شخصاً به تحقیق و تفحص پرداخت . همچنین در مورد بابا افضل تحقیقاتی کرد و راجع به او مقاله‌ای در دائرة المعارف اسلام نوشت . در

ضول آخرین اقامتش در ایران در شهر شیراز راجع به حافظ، سلطان شاعران غزلسرای ایران سخنرانی مبسوطی ایراد کرد. مقاله‌ای نیز راجع به ضرب‌المثلهای اشعار حافظ نوشته که هنوز منتشر نشده است. ریپکا به اشعار خیام نیز علاقه داشت و مقدمه بسیار لطیفی بر ترجمه آلمانی رباعیات خیام نوشته است.

مجموعه کلام آنکه ریپکا در ادبیات کلاسیک فارسی و مخصوصاً اشعار فارسی متخصصی عالیقدر بود. در اوائل سال ۱۹۳۵ با مطالعه نوشته‌های صادق هدایت و بزرگ علوی به قدرت و استعداد نویسندگی این دو نویسنده جوان ایرانی پی برد. در این وقت در طهران بود و یکسال در این شهر اقامت کرد و مقاله‌ای تحت عنوان «ادبیات جدید ایران» نوشت و آنرا در مجله آرشو شرقشناسی منتشر کرد. بدینوسیله این دو نویسنده ایرانی را در خارج از حدود و ثغور ایران معرفی کرد و باعث شهرت آنان گردید. تردیدی نیست که نام هدایت در تاریخ ادبیات ایران بعنوان بهترین نویسنده زمان خود باقی خواهد ماند و بزرگ علوی که اکنون استاد دانشگاه برلین است در ردیف بهترین نویسندگان ایرانی و از متخصصان ادبیات فارسی میباشد. دیگر از کارهای مهم ریپکا در مورد ادبیات جدید فارسی مقاله‌ایست که راجع به پروین اعتصامی شاعره معاصر نوشته است. در این مقاله شعر معاصر فارسی را بطور کلی مورد تدقیق قرار داده است. یان ریپکا تعدادی مقاله نیز در مورد جنبه‌های کلی ادبیات فارسی از خود بیادگار گذاشته است که در حکم منابع مهم شعر معاصر فارسی میباشد. وی کتابی نیز در مورد معانی و بیان و بحور فارسی نوشته که اخیراً در آمریکا چاپ شده است و اجل به آن دانشمند نامدار متأسفانه مهلت نداد تا این تألیف مهم خود را پس از چاپ شدن مشاهده کند.

ریپکا پس از نگارش اینهمه آثار تحقیقی در مورد شعر فارسی و ترجمه‌هایی که از آثار دربار منشور و منظوم فارسی کرد و با تجری که در تحقیقات زبانشناسی و

تاریخی داشت شروع بتحریر کتاب عظیم خود تحت عنوان « تاریخ ادبیات فارسی و تاجیک » کرد. با آنکه در این زمینه مؤلفان دیگر آثاری نوشته بودند لکن عقاید و نظریات ایشان دیگر چندان قابل اعتماد نبود. دیگر آنکه این مؤلفان به نتایج تحقیقات محققان مغرب توجه نکرده بودند و نیز سخنی پیرامون ادبیات معاصر بمیان نیاورده و ادبیات عامه را نیز از نظر دور داشته بودند. ریبکا بیش از دیگران صلاحیت داشت که در رفع این نقائص اقدام کند. وی مجمعی از همکاران و شاگردانش تشکیل داد و خود ریاست این مجمع را بعهده گرفت و در نتیجه اثری بوجود آورد که دانش پژوهان جهان مدتهای مدید انتظار آنرا داشتند. این تألیف بجهت اهمیتی که دارد تاکنون دوبار در سالهای ۱۹۵۷ و ۱۹۶۳ در چکوسلواکی چاپ شده است. این کتاب تاکنون بزبانهای انگلیسی و آلمانی چاپ و منتشر شده و ترجمه لهستانی و روسی آن قریباً از چاپ خارج خواهد شد و در آتیۀ نزدیک ترجمه ژاپنی، عربی، تاجیکی و فارسی آن در دسترس عشاق علم و ادب قرار خواهد گرفت. این تألیف در مقام مقایسه با تألیفاتی که قبلاً پرداخته آمدهاند مزایایی بشمار دارد. این تألیف مبین یگانگی و وحدت فرهنگ ایرانی از نقطه نظر زمان و فضاست و در عین حال کیفیت مشخص اموری را که از پیشرفتهای ایدئولوژیکی و سیاسی در کشورهای اسلامی از ترکیه تا هندوستان سرچشمه گرفته است نشان میدهد. مزیت دیگر آن معرفی ادبیات تاجیکی است و این اولین بار است که فرهنگ و ادب ملت کوچک و بی فعال تاجیک در آسیای مرکزی در مطالعات شرقشناسی مغرب زمین مورد توجه قرار گرفته است. کیفیت مهم دیگر فهرستهای جامع آنست که نشان میدهد مؤلف جمیع کتب مهمی را که راجع به این موضوع در شرق و غرب نوشته شدهاند مطالعه و بررسی کرده است. وی همچنین مقالاتی در حل مسائل زبانشناسی و از جمله مسأله رسم الخط فارسی و طریقه فرهنگ نویسی نوشت. وی همچنین نسبت به اعلام پیشرفتهای

مطالعات شرقشناسی در چکوسلواکی تمایل بسیار نشان میداد و نه تنها رساله مخصوصی در سال ۱۹۳۱ در مورد تاریخ مطالعات شرقشناسی نوشت بلکه صدها مقاله در بزرگداشت مستشرقان چکوسلواکی نوشت که همه آنها را شخصاً میشناخت و با اغلب آنها صاحب و مجالست داشت .

در اوائل سال ۱۹۱۱ بهارستان جامی را بزبان چک ترجمه کرد و پس از مدتی با همکاری بهترین شاعران چکوسلواکی هفت پیکر نظامی قمی گنجوی را ترجمه کرد . سپس مجموعه عظیمی از اشعار نظامی را ترجمه و منتشر ساخت . منتخبی از آثار شعرای فارسی را نیز در مجموعه کوچکی ترجمه و منتشر کرد .

ریپکا به مسأله ترجمه از زبانی بزبان دیگر توجه دقیق داشت و مقاله‌ای در این زمینه در سال ۱۹۴۲ در مجله « کلمه و ادبیات » منتشر کرد . در این مقاله آثار فارسی را که برای ترجمه مناسب هستند مورد بحث قرار داده و معتقد است که در ترجمه این آثار به زبان چک مترجم باید آزادی کامل داشته باشد . بدلیل آنکه رعایت بحور و اوزان شعر فارسی بسبب محدودیت‌های قوافی در زبان چک و اشکالاتی که از این بابت در ترجمه پیدا می‌شوند امکان پذیر نیست .

ریپکا از جمله استادانی بود که شاگردان و دانش پژوهان با شور و شعفی زاید الوصف به سخنانش گوش فرامیدادند . قبل از جنگ وی بعنوان استاد دانشگاه وظیفه داشت که دوره‌هایی برای تعلیم زبان فارسی به متخصصانی که بایران میرفتند و یا برای علاقمندان این زبان ترتیب دهد و از توفیق خود در آموختن زبان فارسی به مردم کشور خود خشنود و شادمان بود . وی همچنین اولین کسی بود که یک کتاب راهنما در مورد دستور زبان فارسی بزبان چک تألیف کرد .

یان ریپکا در تأسیس « مؤسسه شرقشناسی چکوسلواکی » شرکت داشت و قسمت اعظم نیروی خود را قبل از جنگ و بعد از جنگ در این مؤسسه صرف کرد . همکارانش

در این مؤسسه در هر کار با او مشورت میکردند و قبل از آنکه نظر او را جویا شوند بکاری نمی‌پرداختند .

در مراسم هفتادمین و هشتادمین سال تولد او هفتاد دانشمند از سرتاسر جهان شرکت کردند و بانگارش مقالات متعدد مقام رفیع علمی و ادبی او را ستودند . در سال ۱۹۶۳ از یان ریپکا دعوت شد که از ایران دیدن کند و این موفقیت بزرگ دیگری بود که در سالهای آخر عمر نصیب او گردید . در طول اقامت خود در ایران سخنرانیهای در دانشگاههای این کشور ایراد کرد و در چندین جلسه مصاحبه مطبوعاتی و در بر نامه های رادیو و تلویزیون طهران نیز شرکت کرد . در طهران به پیشگاه شاهنشاه آریامهر شرفیاب گردید و این بزرگترین افتخاری بود که به محقق و مروج عالیقدر زبان و فرهنگ ایران داده شد .

ریپکا دانشمندی فروتن و متواضع بود . علم و ادب و موسیقی را از بن دندان دوست میداشت . به ادبیات لاتین نیز علاقه داشت . دوستان بیشماری داشت و آنها را صمیمانه دوست میداشت . در کمک کردن بمردم از هیچ چیز دریغ نمیکرد و چون گرمای از کار کسی می‌گشود شادمان و مشعوف می‌شد .

یان ریپکا مردی بزرگ و دانشمندی عالیمقدار بود . تاریخ جهان ایرانشناسی نام او را تا ابد با حروف زرین در صفحات خود ضبط خواهد کرد . مردم چکوسلواکی میراث عظیم او را چون جان گرمی خواهند داشت و نسلهای آینده از آن تمتع برخوردارند گرفت . آثار ذیقیمت وی برای همیشه منبع تفهیم و تفاهم و رفاقت و صمیمت برای مردم چکوسلواکی و مردم ایران خواهد بود . مردمیکه ریپکا فرهنگ و ادبشان را نیکو میدانست و آن مردم را صمیمانه دوست میداشت .